

راهی به نوسازی گفتمان اصلاحات

حسین نورانی‌نژاد

در شرایط پیش آمده برای نهاد انتخابات در کشور و ناامیدی اکثر اصلاح‌طلبان از این مسیر و از سوی دیگر ضرورتی که برای نوسازی گفتمانی در این جریان احساس می‌شود، پرسش از رویکرد این نوسازی را برجسته می‌کند. پیشنهاد اجمالی که در اینجا به آن اشاره گذرا می‌شود، تمرکز بیشتر بر «حق» به جای صرف تمرکز بر دموکراسی و مطالبه «حقوق بشر» به جای توقف محض بر انتخابات آزاد و در بین دایره وسیع حقوق بشر، پرداختن بیش از پیش به حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به جای محصور شدن در حقوق سیاسی و مدنی است. حرکت اصلاحات که از دوم خرداد آغاز شد، توسعه و به خصوص توسعه سیاسی را با تمرکز بر دموکراتیزاسیون از بالا مدنظر قرار داد. یعنی استفاده از ظرفیت انتخابات برای ورود به قدرت و اصلاح از بالا که طبیعتاً کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین راه در صورت میسر بودن آن است. اما از جایی که این مسیر به‌رغم انعطاف زیاد اصلاح‌طلبان و اتخاذ سیاست‌ورزی نیابتی مسدود شد، احساس نیاز به اصلاحات گفتمانی را نیز در این جریان افزایش داد. به خصوص که از مدت‌ها پیش نیز احساس می‌شد که پایگاه اجتماعی اصلاحات نسبت به کمبود عنصر برابری و عدالت در گفتمان این جریان، با توجه به پیشینه چپ و حمایت از حقوق محرومان که این جریان داشته، واکنش منفی نشان می‌دهد. اصلاح‌طلبان از آنجا که جریانی پارلمان‌تاریست بوده‌اند، طبیعتاً شعار اصلی‌شان انتخابات آزاد بوده و روی حقوق سیاسی مدنی شهروندان مانند حق تشکیلاتی، تقویت جامعه مدنی، آزادی عقیده و بیان تمرکز داشته‌اند. اینها همه مواردی هستند که هنوز می‌توانند در محوریت گفتمانی اصلاح‌طلبان باقی بمانند، اما تکمیل پازل گفتمانی آنها نیازمند شناخت ابعاد دیگری از حقوق شهروندان است که تحت عنوان نسل دوم حقوق بشر در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شناخته می‌شوند و در سطح بین‌الملل هم میثاق جداگانه دارد. از جمله این حقوق، حق برخورداری از شغل مناسب در شرایط عادلانه و برابر است. موضوعی که این روزها می‌بینیم جریان حاکم با وجود اشغال همه مناصب انتصابی و غیر آن، از جزیی‌ترین فرصت‌های شغلی برای حامی پروری و اعمال فشار بر منتقدان خود از طریق بیکار کردن آنها نمی‌گذرد.

گویی کسی که منتقد و حتی معترض باشد حق اشتغال و نان‌آوری ندارد. همین‌طور حق آموزش که از سوی منتقدان و معترضان به وضع موجود در معرض محرومیت از تحصیل در مدارج دانشگاهی هستند و از سوی دیگر در همه سطوح تحصیلی و آموزشی، به خصوص در سطح مدارس ابتدایی تا متوسطه، میزان تبعیض به حدی است که از حالا تمامی رشته‌های دانشگاهی برطرفدار در سال‌های آینده که درآمدسازند، برای کسر کوچکی از فرزندان طبقه برخوردار کنار گذاشته شده است. همین‌طور است حق آزادی‌های فرهنگی و هنری که طبق اخباری که می‌رسد، محدودیت‌ها و فشارها بر فعالان این حوزه به سرعت و شدت در حال افزایش است و هیچ نیروی سیاسی هم به‌طور جدی به آنها توجه جدی ندارد. فقر، آسیب‌های اجتماعی، حق انتخاب سبک زندگی، امنیت غذایی و مسائل دیگری از این دست را هم می‌توان لیست کرد که امروز مبتلا به جامعه هستند و با یا بدون انتخابات آزاد و ورود به قدرت می‌توان درباره آنها مطالبه‌گری، آگاهی‌بخشی و گفتمان‌سازی کرد. تاکید پایانی بر اینکه توجه به حقوق اجتماعی، اقتصادی فرهنگی به معنای عدول یا کمرنگ کردن سایر مطالبات در حوزه حقوق مدنی سیاسی و دموکراسی‌خواهی نیست، بلکه توجه بیش از پیش بر نسل دوم حقوق بشر، به نحوی هم افزا بر ظرفیت پیگیری حقوق نسل اول (حقوق لیبرال یا حقوق مدنی سیاسی) می‌افزاید زیرا اولاً سرمایه اجتماعی حاملان این گفتمان را ارتقا می‌دهد و ثانیاً تحقق این حقوق در شرایط خاص ایران و نوع عقبه فکری و گفتمانی که جریان حاکم اصولگرا دارد، بدون تغییر در ساخت قدرت امکان‌پذیر نخواهد بود، چون شاکله فکری و عقیدتی این جریان، توجیه‌گر تبعیض در همه ابعاد است، شهروند درجه یک و دو در ذات فکری آنها رخنه کرده و اگر بخواهند به خواسته‌های به‌حق و برابری خواهانه در حوزه‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی پاسخ دهند، چاره‌ای ندارند که یا خود تغییر بنیادین کنند یا انحصار قدرت برای جریان خودی را بشکنند.

من: □□□□□□ □□□□□□ 30 □□□□□□ 1400 □□□□□□